

موضوع: معاونت در جرم

(مواد ۱۲۶-۱۲۹ قانون مجازات اسلامی)

فصل سوم - معاونت در جرم

ماده ۱۲۶ - اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف- هر کس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب- هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هر کس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره - برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.

ماده ۱۲۷ - در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه

ب- در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش

ت- در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی

تبصره ۱- در مورد بند (ت) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.

تبصره ۲- در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، مجازات معاون براساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند (ت) این ماده اعمال می‌شود.

ماده ۱۲۸- هر کس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتكاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد. همچنین هر کس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.

ماده ۱۲۹- هرگاه در ارتكاب رفتار مجرمانه، مرتکب به جهتی از جهات شخصی مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جهتی از این جهات، موقوف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.



شرح فصل سوم: معاونت در جرم

نکته ۱:

۱-۱- مقنن در اکثر نظام‌های کیفری معاونت را در صورتی جرم می‌داند که اقدام مباشر در قانون جرم و قابل مجازات باشد و معاون به یکی از صور مقرر قانونی، محمول بر شیوه‌های عرفی به مباشر مساعدت کرده باشد، اقدامات معاون در وقوع جرم تأثیر داشته باشد، به گونه‌ای که اگر این همراهی نبود، بزه مقصود واقع نمی‌شد و جرم مورد نظر مباشر و معاون واقع شده باشد. در واقع جرم به صورت تام و کامل و یا شروع به جرم اتفاق افتاده باشد. قبل و یا حین شروع عملیات مادی جرم مدنظر بین مباشر و معاون وحدت قصد و اتفاق در نوع و نتیجه جرم وجود داشته باشد. (نجفی توانا، همان، ص ۲۲۲)

۱-۲- مصادیق ذکر شده در بندهای سه‌گانه ماده ۱۲۶، ارتکاب رفتارهای عمدی را متبادر به ذهن می‌کند، اصولاً اقداماتی مانند ترغیب، تهدید، تهیه وسایل، تسهیل و ارائه طریق جز با عمد و اراده ممکن نیست. در ضمن انجام امور مذکور به صورت عمدی به تنهایی و بدون تعیین هدف مشخص و هماهنگی با مباشر جرم، موجب تحقق معاونت نخواهد بود. مراد از معاونت در ارتکاب جرم، یعنی انجام عمدی و آگاهانه یکی از امور مقرر در قانون با هماهنگی قبلی با مباشر به منظور ارتکاب جرم مشخص است. (همان، ص ۲۲۵)

۱-۳- مسئولیت معاون محدود است به نوع جرم و میزان محدوده مقرر در توافق و تبانی سابق بر رکن مادی جرم توسط مباشر؛ و در صورت گذر فاعل اصلی از چهارچوب توافق فی‌مابین، علی‌القاعده معاون نسبت به خسارات و صدمات زائد بر آن مسئولیت کیفری ندارد. (همان، ص ۲۲۵)

۱-۴- در معاونت در جنایت، برخلاف جرائم تعزیری، معاونت به عنوان جرم مستقل وجود ندارد، زیرا معاونت امری استعاره‌ای است و اصولاً موجودیت آن وابسته به ارتکاب جرم اصلی توسط مباشر است. (همان، ص ۲۲۷)

۱-۵- مصادیق معاونت:

۱-۵-۱- دسیسه، فریب، نیرنگ:

در قانون مجازات اسلامی سابق از دو واژه فریب و نیرنگ در کنار هم استفاده شده بود. با توجه به آنکه این دو واژه از لحاظ لغوی به یک معنا هستند، در قانون جدید کلمه نیرنگ حذف و تنها به کلمه فریب اکتفا شده است. اما دسیسه، بیشتر به معنای فریب و نیرنگ پنهانی همراه با زمینه‌چینی است. مانند آنکه مردی به همسر خود در مورد ارتباط نامشروع با دیگران مشکوک است و شخصی از همین وضعیت سوءاستفاده کرده و با علم به اینکه می‌داند مرد وسایل زن را کنترل می‌کند به شکل پنهانی عکس مردی را در کیف زن قرار دهد، یا فایل صوتی عاشقانه‌ای را برای وی از طریق پیام تلفنی ارسال کند. در اینجا بدون اینکه میان معاون که قصد فریب و تحریک مرد را دارد و مباشر که

قصد قتل همسر خود را دارد، به طور مستقیم رابطه‌ای وجود داشته باشد. معاون اقدام به فریب زوج از طریق برنامه‌های پنهانی دارد. شخص فریب‌خورده ممکن است مجنی‌علیه (قربانی جرم) یا مباشر جرم باشد.

در حالت اول، مانند آنکه معاون با فریب و نیرنگ شخصی را به منزل خود دعوت می‌کند تا دیگری او را به قتل برساند، یا با او عمل منافی عفت انجام دهد. اما در حالت دوم، یعنی موردی که مباشر جرم بر اثر فریب یا دسیسه مرتکب جرم می‌شود. با توجه به آنکه معاون نقش سبب را بازی می‌کند و در اجتماع سبب و مباشر، فریب یکی از عوامل اقوی بودن سبب از مباشر است، این سؤال مطرح می‌شود که شخص فریبکار، معاون جرم محسوب می‌شود یا در حکم مباشر خواهد بود؟ پاسخ آن است که اگر فریب، مباشر را در حکم عامل بی‌گناه قرار دهد، مباشر مسئولیتی ندارد و این در صورتی است که مباشر تصور کند عمل قانونی و مجازی انجام می‌دهد. برای مثال، کسی که با فریب دیگری و تظاهر به اینکه صاحب ملک است از کارگری می‌خواهد که ساختمانی را تخریب کند، سبب اقوی از مباشر شمرده می‌شود و حکم مباشر را دارد؛ اما چنانچه فریب و نیرنگ یا دسیسه موجب تحریک کسی گردد و او عالمانه مرتکب جرم شود، شخص فریبکار معاون خواهد بود. مانند آنکه با فریب و دسیسه مردی را به زن خود بدبین سازد تا او مرتکب قتل شود. در اینجا مباشر به رغم اینکه در خصوص موضوع، یعنی ارتباط نامشروع همسر خویش فریب خورده است، اما به هر حال، حق قتل وی را حتی در صورت صحت چنین موضوعی ندارد. در حالی که در مثال پیشین در صورت صحت موضوع (ملکیت فریبکار) کارگر حق تخریب منزل را داشت. گاه دسیسه و نیرنگ تحت عنوان واژه «اغوا» که معنایی نزدیک به هم دارند (زیرا اغوا به همان معنای تحریک همراه با نیرنگ است) در قوانین کیفری به عنوان جرم مستقلی شناخته شده است.

۱-۵-۲- تهیه وسایل:

تهیه وسایل جرم موضوع بند «پ» ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی، نوع خاصی از تسهیل است؛ زیرا تسهیل ممکن است در شکل تهیه وسایل یا اعمال دیگری همچون نگهبانی یا چشم‌پوشی از ارتکاب جرم (در زمانی که وظیفه‌ای برای جلوگیری از آن وجود دارد) یا باز گذاشتن در برای ورود به ساختمان یا ایجاد سر و صدا برای پنهان‌کاری و... صورت بگیرد. تهیه وسایل جرم در ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی به عنوان جرم مستقل شناخته شده است.

راهنمایی و ارائه طریق براساس قانون ایران باید مؤثر در ارتکاب جرم باشد. اگرچه در بند «ب» ماده ۱۲۶ بدین مسئله تصریح نشده، اما تناسب حکم و موضوع و توجه به این نکته که معاونت در حقوق ایران جرمی مفید است، باعث می‌شود که قانون به شکل مضیق تفسیر شود و در حالتی که مباشر اصلاً مرتکب جرم نمی‌شود، یا در صورت ارتکاب، از راهنمایی‌های کسی استفاده نمی‌کند و جرم را از طریق دیگری انجام می‌دهد، معاونت محقق نخواهد بود.

۱-۵-۳- تسهیل:

تسهیل به معنای آسان ساختن است، یعنی همه اعمالی که به نحوی در وقوع جرم مؤثر بوده و ارتکاب آن را ممکن یا آسان تر کنند. تسهیل معنای عامی است و چنان که پیش تر گفته شد، حتی ترک فعل را نیز شامل می شود. تسهیل بر دو نوع است، گاه عملی بدون کمک معاون امکان پذیر نیست، مانند آنکه اگر نگهبان زندان از فرار زندانی چشم پوشی نکند، عملاً امکان ندارد وی از زندان فرار کند. گاه نیز عمل امکان پذیر، اما دشوار است. برای مثال، اگر معاون حین ارتکاب جرم نگهبانی ندهد، چه بسا حادثه ای نیز رخ ندهد، اما مباشر با فشار روحی فراوان قادر به ارتکاب جرم خواهد بود. از لحاظ عرفی به هر دو حالت تسهیل گفته می شود و این عنوان بر هر دو حالت قابل صدق است. در تسهیل لازم نیست رابطه علیت میان عمل معاون و ارتکاب جرم وجود داشته باشد؛ چنان که در مثال نگهبانی دیدیم، بدون وجود نگهبان نیز امکان ارتکاب جرم وجود دارد. بنابراین، آنچه ضروری است، احراز رابطه سببیت میان عمل معاون و تسهیل جرم است، نه ارتکاب جرم، بدین معنا که باید عمل معاون موجب سهولت کار مجرم شود؛ هر چند در حد آرامش روانی او باشد. اما لازم نیست رابطه به گونه ای باشد که بگوییم اگر این عمل نبود جرم رخ نمی داد. از حیث رکن روانی، به عنوان قاعده ای کلی، معاون در حالت تسهیل باید بدانند عمل او در راستای ارتکاب جرم است؛ بنابراین، کسی که بی اطلاع از وقوع یک قتل با ایجاد سر و صدا مانع از شنیده شدن فریادهای مقتول و کمک رسانی به او می شود، معاون محسوب نمی شود.

۱-۵-۴- سوءاستفاده از قدرت:

در بند «الف» ماده ۱۲۶ قانون جدید به مصداق جدیدی از معاونت اشاره شده که در قانونگذاری ایران سابقه ای ندارد و آن موجب وقوع جرم شدن با سوءاستفاده از قدرت است. در این عبارت قانونگذار مراد از قدرت، قدرت سیاسی اجتماعی و اقتدار اداری و قانونی است. ناگفته پیداست که معاونت در معاونت زمانی جرم است که فعل مباشر تحقق یافته باشد وگرنه چنانچه فرد «ج»، «ب» را راهنمایی کند تا چگونه اسلحه تهیه کند تا فرد «الف» با آن مرتکب قتل شود، با فرض آنکه خرید اسلحه خود جرم مستقلی نباشد، این مقدار از عمل تا زمانی که قتل صورت نگرفته جرم نخواهد بود. حتی اگر «ب» اسلحه را تهیه کند؛ ولی قتل صورت نگیرد، باز عمل «ج» مجرمانه نخواهد بود؛ زیرا معاونت جرمی است مقید به نتیجه و بدون ارتکاب قتل، عمل «ب» جرم نیست و بدون جرم بودن عمل «ب»، عمل «ج» جرم نخواهد بود. شاید منظور کسانی که می گویند معاونت در معاونت جرم نیست، چون معاونت نخستین، مجرمیت خود را از مباشر به عاریت می گیرد همین باشد. اما در هر صورت، چنانچه در قانون کشوری، معاونت، جرم مقید به نتیجه نباشد بدون ارتکاب قتل نیز عمل «ب» و «ج» مجرمانه خواهد بود.

۱-۶- تفاوت ترغیب با تحریک:

ترغیب هم نیز نوعی تحریک است با این تفاوت که در ترغیب، میل به ارتکاب جرم در دیگری ایجاد می‌شود با این میل که از قبل وجود داشته تقویت می‌شود.

۱-۷- تفاوت تطمیع با ترغیب:

تطمیع، به معنی به طمع انداختن و به کاری وادار کردن است. تطمیع، نوع خاصی ترغیب است، با این تفاوت که در تطمیع، انگیزه‌هایی که باعث مصمم ساختن مباشر به ارتکاب جرم می‌گردد منحصرأ جنبه مالی و مادی دارد؛ در حالی که در ترغیب، انگیزه‌های منتهی به تصمیم مباشر در ارتکاب به جرم، می‌تواند هم مالی و هم معنوی باشد و مهم نیست معاون، پیش از ارتکاب جرم به وعده خود وفا کند یا پس از ارتکاب جرم از قول خود برگردد.

۱-۸- آن نوعی از فریب، معاونت محسوب می‌شود که باعث جهل مباشر نشود زیرا اگر باعث جهل شود فریب دهنده، سبب اقوی از مباشر است و مجازات مباشر (فاعل) است.

۱-۹- جهات قانونی معاونت، حصری است نه تمثیلی.

۱-۱۰- تعدد مصادیق معاونت در جرم، تعدد معاونت محسوب نشده و یک معاونت محسوب می‌گردد.

۱-۱۱- در صورتی که رفتار واحد، هم مشمول معاونت در جرم و هم مشمول جرم مستقل باشد. مقررات تعدد معنوی، لازم‌الرعایه است. در این حالت دادگاه مکلف است مرتکب را به اشد مجازات محکوم نماید.

۱-۱۲- معاونت در معاونت، قابل تصور است.

۱-۱۳- معاونت در شرکت، قابل تصور است.

۱-۱۴- شرکت در معاونت، قابل تصور است.

۱-۱۵- معاونت در شروع به جرم، قابل تصور است.

۱-۱۶- شروع به معاونت، قابل تصور نیست مگر اینکه رفتار معاون فی نفسه جرم باشد. (مانند ساختن کلید)

۱-۱۷- شرایط تحقق معاونت در جرم:**۱-۱۷-۱- عمل مباشر، جرم باشد.**

فعل معاون در صورتی که فعل مباشر اصلی جرم نباشد، قابل مجازات نیست.

مثال: خودکشی، در قانون کشور ما جرم نیست؛ بنابراین معاونت در خودکشی هم جرم نیست. (البته

استثنائاً طبق بند ب ماده ۳۴۷ کتاب پنجم از ق.م.ا، معاونت در خودکشی چنانچه از طریق ارتباطات

الکترونیکی صورت پذیرد، جرم می‌باشد)

۱-۱۷-۲- رفتار معاون به صورت فعل باشد

معاونت، باید به صورت فعل باشد و ترک فعل، معاونت نمی‌باشد. بنابراین سکوت، مشمول مقررات معاونت در جرم نمی‌شود.

قانونگذار استثنائاً در ۳ مورد، تارک فعل را معاون جرم محسوب کرده است:

۱-۱۷-۲-۱- در جرم انتقال مال غیر، در صورتی که مالک، ظرف مدت ۱ ماه از تاریخ اطلاع از انتقال، طی اظهارنامه‌ای مالکیت خود را اعلام نکند به مجازات معاونت در انتقال مال غیر محکوم می‌شود. (ماده ۱ قانون انتقال مال غیر)

۱-۱۷-۲-۲- در جرم تأمین مالی تروریسم، در صورتی که اشخاص مشمول قانون مبارزه پولشویی، گزارش عملیات مشکوک تأمین مالی تروریسم را از روی آگاهی و عمد یا برای کمک به تسهیل ارتکاب جرم به شورای عالی مبارزه با پولشویی ارسال نکنند، معاون جرم محسوب می‌شوند. (تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون مبارزه با تروریسم)

۱-۱۷-۲-۳- اگر شخصی متوجه شود که قرار است جرم هواپیمارمایی یا اخلال در پرواز مثل بمب‌گذاری صورت بگیرد و این موضوع را اطلاع ندهد معاون جرم هواپیمارمایی محسوب می‌شوند. (بند ۶ قانون مجازات اخلال کنندگان امنیت پرواز)

توجه: معاونت در جرایمی که عنصر مادی آن‌ها، به صورت ترک فعل می‌باشد قابل تحقق است. (یعنی ترک فعل از جانب مباشر باشد و فعل از جانب معاون باشد)

توجه: معاونت صرفاً به صورت فعل واقع می‌شود نه ترک فعل.

توجه: معاونت در جرایمی که عنصر مادی آن‌ها به صورت ترک فعل واقع می‌شوند، امکان پذیر است.

۱-۱۷-۳- مباشر عمل مجرمانه را انجام داده یا شروع به جرم کرده باشد

معاونت در صورتی محقق می‌شود که مباشر، جرم موردنظر را مرتکب گردد یا دست کم شروع به اجرای آن نماید. چنانچه مباشر به هر علت از ارتکاب جرم یا شروع آن، خودداری نماید، معاونت منتفی است و در این حالت شخص، ممکن است به اتهام جرم خاصی مجازات گردد.

توجه: همانطور که گفته شد معاونت در شروع به جرم، قابل مجازات است ولی شروع به معاونت در جرم مجازات ندارد، مگر در مواردی که عمل معاونت در جرمی که شروع نشده است، خود قانوناً جرم معینی باشد.

۱-۱۷-۴- عمل معاون در وقوع جرم مؤثر باشد

باید بین عمل معاون و فاعل جرم، رابطه علیت وجود داشته باشد.

۱-۱۷-۵- بین عمل معاون و مباشر، تقدم یا اقتران زمانی وجود داشته باشد

برای تحقق معاونت در جرم باید عمل معاون، قبل از عمل مباشر انجام یابد و یا حداقل اینکه همزمان با وقوع جرم باشد. بنابراین اگر رفتار معاون، بعد از ارتکاب جرم باشد؛ معاونت، محسوب نمی‌گردد اگرچه ممکن است جرم مستقلی محسوب شود مانند: اخفای اموال مسروقه.

۱-۱۷-۵-۱- همکاری با مجرم پس از ارتکاب جرم، نه شرکت است و نه معاونت؛ ممکن است جرمی مستقل باشد.

۱-۱۷-۵-۲- باید بین رفتار معاون و مباشر جرم، تقدم یا اقتران زمانی وجود داشته باشد.

۱-۱۷-۵-۳- صرفاً در یک حالت، قانونگذار ارتکاب عمل معاون را پس از عمل مباشر، معاونت در نظر گرفته است آن هم در ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر که سکوت مالک را پس از اطلاع از ارتکاب جرم توسط مباشر، مشمول معاونت در جرم می‌داند بدین ترتیب که: {اگر مالک از وقوع معامله، مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع، اظهاریه برای ابلاغ به انتقال گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت اسناد یا دفتر بدایت یا صلحیه یا یکی از دوائر دیگر دولتی تسلیم ننماید معاون جرم محسوب خواهد شد.

۱-۱۷-۶- بین معاون و مباشر جرم، وحدت قصد وجود داشته باشد

منظور از وحدت قصد این نیست که لزوماً توافق پیش‌بینی، بین معاون و مباشر وجود داشته باشد؛ بلکه همین اندازه که معاون، مباشر اصلی جرم را قاصد بدانند یا او را قاصد بسازد و در جهت تحقق این قصد به وی یاری رساند وحدت قصد بین این دو است.

➤ در مورد وحدت قصد، ۳ حالت قائل تصور است:

۱-۱۷-۶-۱- فاعل اصلی جرم، در عمل جرمی متفاوت از اینکه مقصود معاون بوده است مرتکب شود در این صورت رفتار معاون، جرم نیست.

مثال: معاون، برای شکار غیرمجاز حیوانات وحشی حفاظت شده، سلاحی را به مباشر می‌دهد؛ اما مباشر با آن اسلحه مرتکب قتل عمدی می‌شود. در نتیجه معاون، مجازات ندارد.

۱-۱۷-۶-۲- فاعل اصلی جرم، در عمل جرمی شدیدتر از آنکه مقصود معاون بوده است مرتکب شود در این حالت معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.

مثال: فرار بر سرقت ساده اما مباشر مرتکب سرقت مسلحانه می‌شود.

۱-۱۷-۶-۳- فاعل اصلی جرم، در عمل جرمی خفیف‌تر از آنکه مقصود معاون بوده است مرتکب گردد در این حالت نیز معاون، به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌گردد.

مثال: فرار بر سرقت مشدده بوده اما مباشر مرتکب سرقت ساده می‌شود.

توجه: لزوم وحدت قصد، به معنی لزوم تبانی بین معاون و مباشر نیست؛ بنابراین در معاونت هم، همانند شرکت در جرم، تبانی شرط نیست.

توجه: از لزوم وجود وحدت قصد بین معاون و مباشر، می‌توان نتیجه گرفت معاونت در جرایم غیر عمدی محقق نمی‌گردد. چون در جرایم غیر عمدی قصدی وجود ندارد تا وحدت قصدی صورت گیرد.

توجه: طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۷ ق.م.ا، در جرایم موجب تعزیر، مجازات معاون، از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است.

مثال: اگر مجازات مباشر جرم، حبس باشد؛ مجازات معاون هم باید حبس باشد. در مورد جزای نقدی و شلاق هم به همین شکل می‌باشد.

توجه: در قتل عمدی، مجازات مباشر، قصاص نفس و مجازات معاون جرم، حبس درجه ۲ یا ۳ است.

توجه: در صورتی که قصاص نفس یا عضو، اجراء نشود؛ مجازات معاون، ۱ تا ۲ درجه از مجازات تعزیری مقرر پایین‌تر خواهد بود.

توجه: سردستگی، چه به صورت معاونت باشد چه به صورت شرکت باشد، از کیفیات شخصی تشدید مجازات است. (ماده ۱۳۰ ق.م.ا)

توجه: معاونت در جرایم تعزیری درجه ۸، قابل مجازات نیست. چون همان‌گونه که گفتیم مجازات معاونت در جرایم موجب تعزیر، ۱ تا ۲ درجه می‌باشد. بنابراین با توجه به اینکه درجه ۸ آخرین درجه از مجازات محسوب می‌گردد؛ لذا امکان اعمال مجازات برای معاونت، قابل تصور نمی‌باشد.

۱-۸- کیفیات مشدده شخصی، تأثیری بر مجازات معاون جرم ندارد.

مثال: اگر مباشر جرم، به دلیل داشتن سمت دولتی، مجازاتش تشدید شود این امر نسبت به معاون اثر

ندارد.

۱-۹- کیفیات مشدده عینی، بر مجازات معاون جرم تأثیر دارد.

۱-۲۰- طبق ماده ۱۲۹ ق.م.ا، هرگاه در ارتکاب رفتار مجرمانه، مرتکب به جهتی از جهات شخصی مانند: صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جهتی از این جهات، موقوف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.

مثال: مباشر جرم، مرتکب قتل شده است و مجازات آن قصاص می‌باشد. در رسیدگی به پرونده، اثبات می‌گردد که مباشر جرم در حال ارتکاب جرم، مجنون بوده است. حال نظر به اینکه مجازات قصاص برای مباشر جرم، منتفی می‌گردد تأثیری در مجازات معاون جرم نخواهد داشت و معاون جرم به حبس تعزیری درجه ۲ یا ۳ محکوم خواهد شد.

۱-۲۱- معاون جرم، در دادگاهی محاکمه می‌شود که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد مگر اینکه ترتیب دیگری در قوانین خاص مقرر شده باشد. (ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک)

توجه: در ارتکاب جرم واحد، نمی‌توان یک فرد را همزمان از باب معاونت و فاعلیت مستقل در جرم (مشارکت)، محکوم نمود.

۱-۲۲- تفاوت مشارکت با معاونت:

۱-۲۲-۱- تأثیر و نقش معاونت و مشارکت در فعل مادی جرم:

شریک در جرم، به طور مستقیم در تحقق جرم و ارتکاب فعل مجرمانه با مباشر همکاری می‌کند و حال آنکه معاون، در حاشیه ارتکاب فعل مجرمانه از جانب مباشر قرار دارد. (یعنی در عنصر مادی جرم تأثیری ندارد)

۱-۲۲-۲- حصری بودن مصادیق معاونت:

حصری بودن مصادیق معاونت که مصادیق معاونت در جرم، جنبه‌ی حصری دارد و شامل: تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه یا فریب، سوءاستفاده از قدرت، ساخت یا تهیه وسایل ارتکاب جرم، ارائه طریق ارتکاب جرم، تسهیل وقوع جرم می‌باشد. (ماده ۱۲۶ ق.م.ا) حال آنکه شرکت در جرم با توجه به ماهیت هر جرمی فرق می‌کند، و به هر نحوی از انحاء که در تحقق جرم مؤثر باشد تحقق می‌پذیرد.

۱-۲۲-۳- از نظر فعل یا ترک فعل:

معاونت در جرائم، با ارتکاب اعمال و افعال ایجابی یا مثبت واقع می‌شود و هیچ‌گاه ترک فعل، موجب تحقق عنوان معاونت نمی‌گردد؛ در صورتی که شریک در جرم، با ترک فعل نیز محقق می‌شود.

۱-۲۲-۴- لزوم وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر:

در معاونت، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی، بین عمل معاون و مباشر جرم، ضروری است؛ در صورتی که در شراکت، ضروری نمی‌باشد.

۱-۲۲-۵- جنبه‌ی تبعی بودن معاونت:

معاونت، جنبه‌ی تبعی و فرعی دارد و از مجرم اصلی استعاره مجرمیت می‌نماید مثلاً اگر کسی در خودکشی معاونت نموده و وسایل ارتکاب آن را فراهم کرد یا شخص را برای خودکشی ترغیب نمود، از آنجایی که خودکشی جرم نیست، معاونت در آن نیز جرم نخواهد بود. با توجه به این مطلب می‌توان گفت معاونت، جنبه‌ی تبعی و فرعی دارد و حال آنکه شرکت در جرم جنبه‌ی اصلی و استقلالی دارد.

۱-۲۲-۶- مصداق شراکت در جرایم عمدی و غیرعمدی:

شریک در جرم، طبق ماده ۳۶۹ ق.م.ا می‌تواند در جرایم عمدی، و هم غیرعمدی و هم خطای محض صورت گیرد؛ در حالی که معاون در جرم، صرفاً در جرایم عمدی قابل تصور می‌باشد. در مورد جنایات غیرعمدی به دلیل فقدان عنصر قصد و عمد در مباشر، وجود وحدت قصد بین مباشر و معاون محل تردید است و لذا در مورد تحقق معاونت در این نوع جنایت اختلاف نظر وجود دارد. و بر همین اساس در جرائم رانندگی و در مواردی که مالک اتومبیل، وسیله نقلیه خود را به کسی بدهد ولی به دلیل ارتکاب خطا مرتکب قتل غیرعمدی شود مالک معاون نخواهد بود. دکتر نجفی توانا معتقد است، در این گونه موارد توافق مالک و راننده جهت رانندگی بوده است و هیچ وحدت قصدی در مورد جنایت غیرعمدی محقق نگردیده است، لذا با وصف آن که اقدام مالک معاونت در رانندگی بدون گواهینامه است ولی چون رانندگی بدون گواهینامه مشمول توصیف جزایی مقرر در ماده ۷۲۳ ق. تعزیرات بوده و کیفر مذکور نیز در درجه‌بندی مجازات‌ها در ماده ۱۹ ق.م.ا، درجه هشت محسوب می‌شود. به استناد بند «ت» ماده ۱۲۷، که کیفر معاونت در جرائم موجب تعزیر یک یا دو درجه پایین‌تر از مجازات ارتكابی مباشر دانسته است. عملاً چنین معاونتی با وصف اتفاق، قابل کیفر نخواهد بود. با این حال برخلاف نظر کمیسیون استفتائات شورای قضایی مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۲، که در پاسخ به سؤالی در خصوص صدق معاونت در جرائم غیرعمدی اعلام نموده‌اند که با توجه به فقدان وحدت قصد بین معاون و مباشر... معاونت در جرائم غیرعمدی محتمل است. مثلاً وقتی دو دوست سوار یک اتومبیل در اتوبانی در حال حرکت‌اند و سرنشین اتومبیل، راننده را تشویق و به رانندگی با سرعت غیرمجاز می‌کند و او را تشویق برای حرکات خطرناک مانند تغییر ناگهانی مسیر، پیچیدن جلوی اتومبیل دیگران و یا سبقت غیرمجاز می‌کند، راننده تحت تأثیر تحریک و ترغیب دوست خود مبادرت به تخلفات قانونی می‌کند و در همان هنگام با اتومبیل دیگری تصادف و موجب مرگ یکی از سرنشینان آن می‌شود. در این گونه موارد هرچند وحدت قصد در ایجاد حادثه مرگ‌بار وجود ندارد اما به دلیل تأثیر تشویق در قانون‌شکنی راننده که برآیند آن ضرب و جرح و قتل غیرعمدی می‌باشد. مورد را باید از مصادیق معاونت تلقی کرد. (نجفی توانا، همان، ص ۲۲۷)

۱-۲۳- تمایز معاون از سبب:

رابطه میان معاون و سبب، عموم و خصوص من وجه است، یعنی میان مصداق‌های این دو عنوان دو وجه افتراق و یک وجه اشتراک وجود دارد با این توضیح که:

۱-۲۳-۱- موردی که مرتکب سبب هست، اما معاون نیست:

مانند جایی که کسی چاهی حفر می‌کند و دیگری شخصی را در آن می‌اندازد. در اینجا چون میان حفرکننده و پرت‌کننده وحدت قصد وجود ندارد، حفرکننده سبب هست، اما معاون نیست.

۱-۲۳-۲- موردی که مرتکب هم سبب است و هم معاون:

اگر «الف» آمپولی سمی به «ب» بدهد تا او به «ج» تزریق کند. در این صورت، اجتماع سبب و مباشر است و دهنده آمپول، سبب است و هم معاون.

۱-۲۳-۳- موردی که مرتکب معاون هست اما سبب نیست:

کسی که نهبانی می‌دهد تا دیگری مرتکب جرم شود با شرط وحدت قصد، معاون است، اما عرفاً وی را نمی‌توان سبب نامید، بلکه نقش وی بیشتر به شرط شبیه است.

۱-۲۴- مبانی نظری مجرمیت معاون:

گذشته از یک دیدگاه قدیمی که اصولاً معاونت را جرم نمی‌دانست، بلکه آن را یک خطای اخلاقی تلقی می‌کرد، همه نظام‌های حقوقی فعلی معاونت را جرم می‌دانند، اما در مقام قانونگذاری دو مبنای نظری در خصوص معاونت وجود دارد؛ یکی آنکه معاونت را جرمی مستقل از مباشرت در نظر می‌گیرد و دیگر آنکه آن را تابعی از عمل مباشر به شمار می‌آورد. این دو مبنا هم در مسئله جرم بودن معاون مؤثر هستند و هم در میزان مجازات آن.

۱-۲۴-۱- سیستم مجرمیت استعاره‌ای:

این نظام قدیمی‌تر و شایع‌تر از نظام مجرمیت استقلالی است و براساس آن خطر معاون کمتر از مباشر و نقش وی ثانوی است. مجرم بودن او تابع مباشر است؛ و گویا مجرمیت خود را از مباشر به عاریت می‌گیرد. بنابراین، اگر شخصی، فرد دیگری را تحریک به ارتکاب جرم کند، یا وسایل جرم را در اختیار او قرار دهد، اما وی به هر دلیلی مرتکب جرم نشود، معاون او نیز مجرم نخواهد بود. در این نظام تا زمانی که مباشر، شروع به جرم نکرده یا مرتکب جرم نشده معاون نیز بی‌گناه محسوب می‌شود. به عبارتی دیگر، در چنین حالتی معاونت، جرمی مقید به نتیجه است.

اما در خصوص مجازات معاون همین نظام خود به دو شاخه تقسیم می‌شود، مجرمیت استعاره‌ای مطلق و نسبی. البته از آنجا که این دو شاخه صرفاً مربوط به میزان مجازات هستند، نه اصل مجرمیت، بهتر بود نام آن‌ها به جای مجرمیت استعاره‌ای مطلق یا نسبی، مجازات استعاره‌ای مطلق و نسبی قرار می‌گرفت.

۱-۲۴-۱- مجرمیت استعاره‌ای مطلق:

بر این مبنا معاون، مجازاتی همانند مباشر خواهد داشت. به صورت کلی آمریکا و دیگر کشورهای کامن‌لا را می‌توان در زمره طرفداران برابری مجازات معاون و مباشر دانست. فرانسه و به تبع آن برخی کشورهای عربی نیز همین مبنا را دارند. اما جورج فلچر- حقوقدان آمریکایی- معتقد است، به رغم پذیرش نظری تساوی مباشر و معاون در میان حقوقدانان آمریکایی، قضات در عمل میان مصداق‌های مختلف تفاوت قائل هستند: «در مرحله تعیین مجازات نیز به سختی می‌توان باور کرد که قضات میان کسی که ماشه را می‌چکاند و همدست او که وی را به صحنه قتل رسانده هیچ تفاوتی قائل نشوند. صرف نظر از قبول نظر رسمی برابری میان مباشر و معاون، حقوق آمریکا نیز همچون حقوق کامن‌لا، در مقام عمل، میان مباشر اصلی، محرک و شریک تفاوت قائل می‌شوند. این بدان معناست که قضات برای تعیین مجازات، به سادگی، درجات مختلف دخالت در ارتکاب جرم را می‌پذیرند».

۱-۲۴-۲- مجرمیت استعاره‌ای نسبی:

بر این مبنا، مجازات معاون کمتر و خفیف‌تر از مباشر است. این تخفیف مجازات گاه جنبه قانونی دارد و گاه جنبه قضایی. در جنبه قانونی، قانونگذار مجازات معاون را در مواد قانون کمتر از مباشر تعیین می‌کند؛ چنان‌که در ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی مقرر شده بود: «هر کس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود». یا در قانون مجازات اسلامی جدید در ماده ۱۲۷ مقرر شده است.

۱-۲۴-۲- سیستم مجرمیت مستقل:

در این سیستم معاونت جرمی است مطلق، یعنی منوط به نتیجه، بدین معنا که عمل مباشر نیست. این مسئله بیشتر ناشی از دیدگاه مکتب تحقیقی بود که به خطرناکی مجرم توجه ویژه‌ای دارد. از نظر آنان کسی که دیگری را تحریک به ارتکاب جرم می‌کند یا به او ارائه طریق می‌دهد یا وسایل جرم را تهیه می‌کند، هر کاری که می‌توانسته انجام دهد، انجام داده و خطرناکی خود را نشان داده است و نباید منتظر ماند و دید مباشر مرتکب جرم می‌شود یا نه. این مسئله به نحو کلی تری در باب تسبیب نیز مطرح شده است و برخی از حقوقدانان معتقدند در مسئولیت کیفری اشخاص فقط باید به خود عمل آن‌ها توجه کرد نه نتایج به‌دست آمده که تا اندازه‌ای وابسته به شانس و تصادف هستند. ممکن است دو نفر به شکل یکسان عملی را انجام دهند؛ برای مثال مستی را به سوی صورت کسی پرتاب کنند، اما در یک مورد شخص مقابل، مصدوم شود و در مورد دیگر خود را کنار بکشد، این مسئله نباید تأثیری در میزان مسئولیت و مجازات فاعل داشته باشد. همین نکته در خصوص معاون نیز مطرح است؛ اینکه مباشر بعدها به هر دلیلی، از جمله انصراف درونی، موانع خارجی یا عدم مهارت نتواند جرم را انجام دهد، نباید تأثیری در موقعیت معاون داشته باشد. نظام حقوقی ایران براساس مجرمیت استعاره‌ای است؛ زیرا تا زمانی که مباشر مرتکب جرم تام یا شروع به جرم نشده باشد، عمل معاون مجرمانه نیست و از سویی دیگر، مجازات معاون کمتر از مباشر است (استعاره نسبی).

در مورد تحریک چند مسئله قابل بحث است؛ مسئله اول اینکه، آیا تحریک باید مستقیم باشد. یا تحریک غیرمستقیم نیز جرم است. در تحریک مستقیم، معاون به صراحت اندیشه ارتکاب جرم را به مباشر القا می‌کند و از او می‌خواهد جرم را انجام دهد، ولی در شریک غیرمستقیم تنها مطالبی را بیان می‌کند و نتیجه‌گیری را به شنونده وا می‌گذارد. برای مثال، چنانچه کسی به شخص بگوید: قاچاق مواد مخدر درآمد بسیار خوبی دارد، یا به مردی که همسرش رابطه نامشروعی داشته بگوید: برخی غیرت ندارند و زناشان مرتکب هر کاری می‌شوند.

مسئله دوم، معین بودن تحریک است. گاه معاون، مخاطب خاصی را تحریک می‌کند و گاه در یک نطق عمومی از مردم می‌خواهد مرتکب جرمی مانند تخریب شوند.

در ایران بیشتر حقوقدانان به پیروی از حقوق فرانسه گفته‌اند: تحریک باید مستقیم و فردی باشد. ممکن است گفته شود الفاظ قانون در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی اطلاق دارد و تحریک غیرمستقیم و در خصوص افراد غیر معین را نیز شامل می‌شود؛ اما در پاسخ ممکن است گفته شود اصولاً عرف، تحریک غیرمستقیم را تحریک نمی‌گوید، یا در خصوص تحریک غیر معین، تحقق چنین اطلاقی در ماده ۱۲۶ مشکوک است و با توجه به قاعده تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم، نمی‌توان دایره موضوع جرم را گسترش داد. اما در هر حال برخی حقوقدانان تحریک غیرمستقیم و غیر معین را هم معاونت دانسته‌اند. البته باید توجه داشت که در همه موارد یادشده ممکن است تحریک غیرمستقیم یا غیر معین تحت عنوان جرم مستقلی مانند ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) جرم‌انگاری شود.

۱-۲۵- شروع به معاونت:

چنانچه فرد «الف» یک لحظه قبل از تحویل اسلحه به فرد «ب» جهت قتل دیگری، دستگیر شود؛ شاید در ابتدا به نظر برسد عمل وی شروع به «معاونت در قتل» است؛ اما باید توجه داشت چون اسلحه‌ای به «ب» تحویل داده نشده طبعاً «ب» هم قتلی انجام نداده پس اصولاً جرمی صورت نگرفته تا «ب» مباشر باشد و با انتفاء مباشرت «ب»، معاونت یا شروع به معاونت «الف» معنا ندارد.

۱-۲۶- فرض خروج مباشر جرم از حدود توافق با معاون:

- مباشر از توافق اولیه خارج گردد + و مرتکب جرم متفاوت گردد ← معاون مسئول نیست
- مباشر جرمی شدیدتر از مقصود معاون انجام دهد ← معاون به مجازات خفیف‌تر
- معاونت در جرم نامعلوم + عدم علم نسبت به زمان و مکان ← معاون در آن جرم
- مباشر شیوه ارتکاب جرم را تغییر دهد + اما با همان نتیجه جرم محقق شود ← معاونت در آن جرم
- مباشر رفتار مجرمانه را با کیفیت مشدده انجام دهد ← معاونت در جرم خفیف‌تر (تبصره ماده

نشست قضایی

موضوع

مجازات معاون در جرم در صورت معافیت مباشر از کیفر.

پرسش:

در مواردی که مباشرت در ارتکاب ارکان مادی جرایم تعزیری مانند سرقت و تخریب عمدی و تصرف عدوانی توسط شخص «ب» و به دستور شخص «الف» صورت گیرد و حسب ادله موجود در پرونده شخص «ب» از تعلق مال موضوع شکایت به غیر از شخص آمر بی اطلاع باشد، عنوان رفتار مجرمانه منتسب به آمر در فرض برائت مأمور جهت تعقیب کیفری چیست؟

✓ نظر هیئت عالی

عمل آمر را در جرائم موضوع سوال از مصادیق فاعل معنوی محسوب بنابراین موضوع از شمول معاونت در جرم خارج می‌باشد و شخص آمر به مجازات فاعل جرم محکوم می‌گردد.

✘ نظر اکثریت

با توجه به جهل موضوعی شخص مأمور و اخذ وحدت ملاک از مقرراتی مثل ماده ۱۵۱ و ۲۷۲ و ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و با عنایت به اینکه عمل مأمور در حکم یک وسیله است لذا مجازات آمر به عنوان مجازات فاعل مستقل خواهد بود.

✘ نظر اقلیت

با توجه به اینکه عمل آمر به لحاظ ارکان مادی آن معاونت در جرم تلقی می‌گردد و از طرف دیگر بین معاون و مباشر وحدت قصد وجود ندارد و از آنجا که مباشر قابل مجازات نمی‌باشد لذا رفتار آمر فاقد وصف کیفری می‌باشد.

✘ نظر ابرازی

با توجه به مفاد ماده ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی، عالم نبودن مباشر به موضوع جرم یکی از جهات شخصی است که مرتکب را از مجازات معاف می‌نماید و با توجه به رفتار شخص آمر که دارای ویژگی تسهیل و ترغیب‌کنندگی برای شخص مأمور را دارد بنابراین مجازات معاون در فرض سؤال به قوت خود باقی خواهد ماند.

موضوع

اعمال ماده ۴۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص مباشرت و معاونت در جرم.

پرسش:

در خصوص اعمال ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری؛ چنانچه در یک پرونده، چند نفر به اتهام مشارکت و یا معاونت در جرم محکوم گردیده باشند و پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی، برخی از ایشان با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نمایند و درخواست اعمال ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری را نمایند لیکن الباقی اشخاص تقاضای تجدیدنظر نمایند، تکلیف دادگاه در این مورد چه می‌باشد؟ برای مثال در صورتی که معاون در جرم، به حکم تسلیم گردیده، ولی مباشر تقاضای تجدیدنظر کرده باشد، تکلیف دادگاه در این مورد چه می‌باشد؟

✓ نظر هیئت عالی

نظر اقلیت موجه است و اضافه بر استدلالات ایشان با توجه به اینکه به موجب ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری حق مکتسب برای همه متهمین ایجاد شده و اسقاط این حق نیاز به تصریح قانونگذار دارد؛ لذا دادگاه باید از پرونده بدل تشکیل دهد؛ نسبت به سایرین جهت رسیدگی به درخواست تجدیدنظر به دادگاه تجدیدنظر ارسال و نسبت به کسی که تقاضای اعمال ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری را نموده در محدوده قانون تخفیف مجازات دهد.

✚ نظر اکثریت

در صورت برقرار شدن صورت مسئله تخفیف داده نمی‌شود. در این صورت پرونده جهت اتخاذ تصمیم به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌گردد و در دادگاه تجدیدنظر می‌تواند در صورت وجود جهات تخفیف غیر از تسلیم به رأی، در خصوص تعیین مجازات و اعمال تخفیف تصمیم‌گیری نماید. دلایل اعلام شده نظر اکثریت: ۱- اگر رأی را قطعی اعلام نماییم دادگاه تجدیدنظر دیگر نمی‌تواند وارد رسیدگی به پرونده گردد. ۲- با عنایت به نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۱۰۹۷ مورخ ۱۳۹۴/۵/۵ و نظر به اینکه هدف مقنن از اعمال ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری کاستن یک مرحله از فرآیند رسیدگی بوده و به این ترتیب، هدف قانونگذار محقق نگردیده است.

✚ نظر اقلیت

در صورت برقرار شدن صورت مسئله تخفیف داده می‌شود. دلایل اعلام شده: ۱- با عنایت به اینکه به صراحت ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً اعتراض دادستان اعلام گردیده و در مورد

اعتراض متهمین دیگر و یا شاکی صحبتی نشده است و اعمال تخفیف نیز الزامی می‌باشد. ۲- اصل بر تفسیر به نفع متهم می‌باشد و در این خصوص با اعمال تخفیف متهمی که تسلیم به حکم گردیده از مزایای قانونی بهره‌مند می‌گردد. ۳- چنانچه معاون جرم تسلیم به حکم گردیده و رأی قطعی شود و مباشر با اعتراض به رأی در مرحله تجدید نظر برائت حاصل نماید، با عنایت به بند (ب) ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه تجدیدنظر می‌تواند حتی اگر احد از متهمین تجدیدنظرخواهی نکرده باشد، حکم برائت ایشان را نیز صادر نماید.

موضوع

غیرقابل گذشت بودن شروع به جرم و یا معاونت در مال مسروقه بالای ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

پرسش:

با توجه به ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری آیا شروع به جرم و یا معاونت در بزه سرقت که ارزش مال مسروقه بیشتر از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال قابل گذشت می‌باشد یا خیر؟

نظر هیئت عالی

در خصوص گذشت جرم صرفاً باید به قدر مسلم و متیقن قابل احراز از منطوق قانون باید اکتفا کرد. نتیجتاً معاونت و شروع به جرم در سرقت تا دوپست میلیون ریال قابل گذشت است.

نظر اکثریت

ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری صراحت دارد که شروع به جرم و یا معاونت در جرائم فوق‌الذکر قابل گذشت می‌باشد و منظور از جرائم فوق‌الذکر جرم سرقتی می‌باشد که ارزش مال مسروقه کمتر از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد در نتیجه شروع به سرقت و یا معاونت در جرم سرقتی که ارزش مال مسروقه بیشتر از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است قابل گذشت نیست.

نظر ابرازی

اولاً اگر یک جرمی قابل گذشت باشد به طریق اولی شروع به آن جرم و یا معاونت در آن جرم نیز قابل گذشت خواهد بود و لزومی نداشت قانونگذار آن را بیان کند فلذا اگر در ذیل ماده یازده قانون موصوف اعلام نمود که شروع به جرم و معاونت در جرائم فوق‌الذکر قابل گذشت است منظور قانونگذار مطلق جرائم مذکور است اعم از سرقتی که ارزش مال مسروقه کمتر از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد و یا بیشتر باشد. ثانیاً شروع به سرقت به اعمال ارتكابی یک شخص گفته می‌شود که منتهی به ربودن مال نگردیده مثلاً فردی وارد منزل شده و مال را هنوز از حرز خارج نکرده است به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند در این صورت شروع به بزه سرقت محقق گردیده است حال امکان دارد در داخل آن منزل وجه نقد به میزان ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان بوده و یا آنکه مثلاً

۱۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان باشد در هر صورت چون سارق موفق به ربودن آن نگردیده اصلاً متوجه هم نشده مال مسروقه چه بوده و چه میزان ارزش داشته به عبارت دیگر شروع به سرقت جرمی است که قبل از ربودن مال مسروقه و یا قبل از اطلاع از نوع و میزان مال مسروقه محقق می‌شود و تا این مرحله از اقدامات اجرایی تمامی جرایم سرقت چه آن دسته که ارزش مال مسروقه بیش از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است و چه آنکه کمتر از این مقدار است مشترک می‌باشد. حال، عدالت اقتضا می‌نماید مجازات تمامی جرایم از یک نوع که در یک شرایط واحدی واقع گردیده است یکسان باشد؛ بنابراین منظور قانونگذار در ماده ۱۱ قانون موصوف، شروع به جرم و معاونت در تمامی جرایم سرقت است اعم از مواردی که ارزش مال مسروقه بیشتر و یا کمتر از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.

موضوع

بررسی مجازات معاونت در جرم حفر چاه غیرمجاز.

پرسش:

با عنایت به قانون توزیع عادلانه آب که مجازات مباشر حفر چاه غیر مجاز را ۱۰ تا ۵۰ ضربه شلاق و یا ۱۵ روز تا ۳ ماه حبس تأدیبی مقرر نموده، در فرضی که مالک زمین (منتفع اصلی موضوع) حفرکننده را ترغیب به حفر چاه غیرمجاز نماید، با توجه به تبصره ۲ و ۳ ماده ۱۹ و بند ت ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تکلیف مجازات معاون در بزه مزبور چگونه خواهد بود؟

☑️ نظر هیئت عالی

با توجه به اینکه دستوردهنده و ترغیب کننده اصلاً در عملیات مادی شرکت نداشته قطعاً مشمول عنوان معاونت با احراز سایر شرایط قانونی خواهد بود توجهاً به میزان مجازات قانونی مباشر جرم که درجه ۶ محسوب می‌گردد، مجازات معاون نیز منطبق با درجه ۷ و یا ۸ موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی خواهد بود. نظریه ابرازی در حد این استنتاج مورد قبول است.

⚔️ نظر اکثریت

اکثریت همکاران محترم قضایی موضوع مطروح را در قالب مشارکت در حفر چاه غیرمجاز مورد تأیید قرار داده و چنین استنباط می‌نمایند که براساس ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی، مالک زمین به عنوان دستوردهنده با شخص حفرکننده چاه هر دو در عملیات اجرایی بزه مشارکت داشته و مستند ادعای خویش را آن قسم ماده مرقوم که مقرر نموده (خواه کار آنها مساوی بوده خواه متفاوت باشد) قرار داده، تعقیب را در قالب مشارکت در بزه مزبور ملاک عمل قرار می‌دهند.

■ نظر اقلیت

نظر دسته دیگر از همکاران محترم نیز بر این است که با توجه به تبصره ۳ ماده ۱۹ مجازات حبس شدیدتر محسوب می‌شود، مجازات حبس ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب نیز درجه ۸ می‌باشد، مجازات معاون جرم نیز باید براساس بند ت ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی یک یا دو درجه پایین‌تر از مجازات مباشر باشد؛ لذا با عنایت به اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی، اعتقادی به تعقیب معاون در این جرم به علت فقدان عنصر قانونی نداشته و چنین نظر می‌دهند که باید در این فرض، همسو با اصل برائت معاون را میرا از مسئولیت کیفری دانست. نظر ابرازی: احد از همکاران قضایی نیز چنین استنباط می‌نماید که رفتار ارتكابی هر یک از مرتکبین را باید منطبق بر اصول و مسلمات حاکم در مقررات کیفری مورد بررسی قرار داد. در فرضی که مالک زمین دستوردهنده و ترغیب کننده بوده با توجه به عدم دخالت در عنصر مادی و اجرایی جرم لزوماً باید به عنوان معاون در بزه حفر چاه غیرمجاز مورد تعقیب قرار گرفته و حفرکننده، چه با وسایل حفاری یا غیر آن (نظر به اینکه عملیات مادی را مرتکب گردیده) به عنوان مباشر تعقیب نمود. اما در مورد تعیین مجازات معاونت در بزه مزبور، چنین استنباط می‌نماید که با توجه به تعدد مجازات در ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب، مجازات شلاق را باید شدید محسوب نمود. استدلال خویش را از ۲ منظر مطرح می‌نمایند: اولاً اگرچه در تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی آمده که در صورت تعدد مجازات‌ها و عدم تشخیص مجازات شدید، مجازات حبس ملاک عمل می‌باشد؛ اما محل اجرای این تبصره را نباید در ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب جستجو کرد؛ چرا که مطابق ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی مقرر گردیده مجازات تا سه ماه حبس لزوماً به مجازات جایگزین حبس تبدیل شود. بنابراین حبس منظور در ماده ۴۵ قانون مذکور، در فرض مطروح اساساً قابلیت اجرا ندارد. لذا بر همین اساس نمی‌تواند از شلاق شدیدتر محسوب شود. به لحاظ اینکه شلاق قابلیت اجرایی داشته و از جمله مجازات‌های بدنی نیز محسوب می‌شود، لذا مجازاتی شدیدتر از مجازات‌های جایگزین حبس خواهد بود. ثانیاً با توجه به ملاک ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در اعمال مجازات خفیف که کیفر مساعد به حال متهم را خفیف محسوب داشته و در فرض سوال مجازات‌های جایگزین حبس از شلاق خفیف‌تر بوده؛ در نتیجه با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی که (مجازات‌ی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد از درجه بالاتر محسوب می‌شود) شلاق ۱۰ تا ۵۰ ضربه را باید از نوع درجه شش به حساب آورد. به تبع مجازات معاون نیز از نوع درجه ۷ یا ۸ محسوب می‌شود. اثر چنین استدلالی را می‌توان چنین مطرح نمود که اگر مجازات حبس تا سه ماه مذکور در ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب شدید محسوب شود، مجازات معاون که براساس بند ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ باید یک یا دو درجه پایین‌تر از مجازات مباشر اعمال گردد، فاقد وصف قانونی بوده و شخص معاون از مجازات‌رهایی خواهد یافت؛ در حالی که عدالت کیفری در این خواهد بود که دستوردهنده به عنوان مالک زمین که البته منتفع اصلی حفر نیز بوده، مجازات گردد. لذا با چنین استدلالی نظر به مجازات معاون جرم منظور می‌دهد.

موضوع

معاونت در بزه.

پرسش:

۱- الف) چنانچه شخص الف معاونت در بزه‌ی نماید ولی پس از دستگیری و تفهیم اتهام شخص مباشر را معرفی نکند و تحقیقات منتج به شناسایی مباشر نشود چه تصمیمی باید اتخاذ نمود؟ ب) در صورتی که الف معاونت ننموده لکن فقط هویت مباشر را کتمان می‌نماید مانند آنکه متصرف خودرو خود را معرفی نمی‌کند چه تصمیمی باید اتخاذ نمود؟

✓ نظر هیئت عالی

در جرایم تعزیری چنانچه ادله کافی و وافی بر انتساب بزه معاونت در جرم وجود داشته باشد عدم دسترسی به مباشر جرم مانع رسیدگی به بزه معاون نخواهد بود ضمناً رکن مادی بزه موضوع ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات فعل می‌باشد.

✚ نظر اکثریت

نظر اکثریت در مورد قسمت الف: به جز جرائم حدی و قصاص نفس و عضو در سایر جرائم تعزیری در صورتی که محتویات پرونده و دلایل موجود حکایت از معاونت داشته باشد و این امر مسلم و قطعی باشد می‌توان در خصوص معاون جرم قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست صادر کرد چرا که در این گونه موارد قانونگذار در ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ صراحتاً مجازات معاون جرم را مشخص نموده و مجازات وی تابع مجازات مباشر جرم نمی‌باشد بلکه تابع مجازات جرم اصلی می‌باشد و بنابراین تصمیم‌گیری در خصوص معاون جرم فاقد اشکال است. نظر اکثریت در مورد قسمت ب: چنانچه الف معاونت نکرده ولیکن هویت مباشر جرم را کتمان نماید می‌تواند مصداق مساعدت در خلاصی متهم از محکمه موضوع ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) باشد چرا که این ماده با ترک فعل نیز قابل تحقق است و سکوت الف در صورتی که از هویت مباشر جرم اطلاع دارد نوعی مساعدت محسوب می‌گردد و موارد ذکر شده در ماده فوق با توجه به عبارت ((از قبیل)) تمثیلی هستند.

✚ نظر اقلیت

نظر اقلیت در مورد قسمت الف: با توجه به اینکه در نظام حقوقی کشور ما، معاونت یک جرم استعاره‌ای است و اعمال مجرمانه معاون از عمل مباشر جرم عاریه گرفته می‌شود و همچنین با عنایت به اینکه می‌بایست بین مباشر و معاون جرم وحدت قصد وجود داشته باشد بنابراین تا زمانی که به مباشر جرم دسترسی حاصل نشده امکان اتخاذ تصمیم در مورد معاون جرم وجود ندارد و

می‌بایست پرونده مفتوح بماند چرا که ممکن است پس از دسترسی به مباشر مشخص شود اصلاً عمل انتسابی با توجه به شرایط موجود جرم نبوده است به عنوان مثال فرد خودرو خود را جهت تخریب عمدی مالی در اختیار دیگری قرار می‌دهد و پس از دسترسی به مباشر مشخص می‌گردد مال تخریب شده متعلق به خود مباشر بوده و اساساً موضوع تخریب عمدی و معاونت در آن منتفی خواهد شد و در این خصوص تفاوتی بین جرائم تعزیری و یا حدی و مستوجب قصاص وجود ندارد. نظر اقلیت در مورد قسمت ب: با توجه به سیاق ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات ۱۳۷۵ و مواردی که پس از عبارت (از قبیل) در این ماده آمده است می‌توان استنباط نمود که جرم مساعدت در خلاصی متهم از محاکمه می‌بایست با فعل انجام شود و ترک فعل نمی‌تواند مصداق آن باشد. تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم نیز مؤید این دیدگاه است و بنابراین در فرض سوال الف که هویت مباشر جرم را کتمان نموده مرتکب جرم نشده است چرا که تفسیر موسع ماده فوق آثار سوئی به دنبال خواهد داشت و در این صورت می‌بایست هر فردی را که از هویت مجرم مطلع است مصداق ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات ۱۳۷۵ دانست.

موضوع

صلاحیت رسیدگی به جرم پولشویی.

پرسش:

حسب تبصره ماده ۱۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی از مقامات موضوع مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مرتکب جرم منشاء، شخصی غیر از مقامات مذکور باشد، به جرم پولشویی حسب مورد در دادگاه‌های کیفری تهران یا مرکز استان رسیدگی می‌شود. نظر به این که صرفاً رسیدگی به جرم پولشویی در دادگاه‌های کیفری تهران یا مرکز استان اشاره شده است، و نظر به اینکه رسیدگی به جرم پولشویی با رسیدگی به جرم منشاء دارای ارتباط بسیار نزدیک بوده به گونه‌ای که چنانچه جرم منشاء منتهی به تبرئه یا منع تعقیب گردد، جرم پولشویی منتفی خواهد شد و اینکه با توجه به تعریف پولشویی که حتی نگهداری و یا استفاده از عواید فعالیت‌های غیر قانونی ناشی از جرم را پولشویی دانسته و با این تعریف، مرتکب جرم منشاء خود مرتکب جرم پولشویی نیز خواهد شد و به بیان دیگر مرتکب جرم منشاء مشارکت و در تفسیر بسیار ضعیف معاونت در جرم پولشویی را دارد. حال سوال این است که با توجه به تبصره‌ی ماده‌ی ۱۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی و با توجه به ظاهر تبصره، صرفاً به بزه پولشویی در مرکز استان یا تهران رسیدگی خواهد

شد؟ و یا اینکه با توجه به موارد مطروحه در فوق به مرتکبین جرم منشاء و معاونین و مشارکین در پولشویی نیز در تهران یا مرکز استان رسیدگی خواهد شد؟

✓ نظر هیئت عالی

با توجه به تبصره ماده ۱۱ قانون مبارزه با پولشویی شعبی از دادگاه‌های تهران و در صورت نیاز مراکز استان‌ها به امر رسیدگی به جرم پولشویی و جرایم مرتبط اختصاص می‌یابد؛ نتیجتاً نظر اول اتفاقی صحیح اعلام می‌شود.

✚ نظر اتفاقی

در خصوص سوال ۲ نظر مطرح گردید: نظر اول: نظر به این که رسیدگی به جرم پولشویی در دادگاه‌های کیفری تهران یا مرکز استان اشاره شده است، و نظر به اینکه رسیدگی به جرم پولشویی با رسیدگی به جرم منشاء دارای ارتباط بسیار نزدیک بوده به گونه‌ای که چنانچه جرم منشاء مصادف با تبرئه یا منع تعقیب گردد، جرم پولشویی منتفی خواهد شد و اینکه با توجه به تعریف پولشویی حق نگهداری و یا استفاده از عواید فعالیت‌های غیر قانونی ناشی از جرم را پولشویی دانسته و با این تعریف، مرتکب جرم منشاء خود پولشویی را دارد و به بیان دیگر مرتکب جرم منشاء مشارکت و در فرض بسیار ضعیف معاونت در جرم پولشویی را دارد، فلذا با توجه به موارد مطروحه و نزدیکی و تأثیر جرم منشاء در پولشویی، به تمامی جرایم در تهران یا مرکز استان رسیدگی خواهد شد. نظر دوم: با توجه به ظاهر ماده که صرفاً جرم پولشویی را بیان نموده است و به نظر ماده نیز در مقام بیان همین موضوع می‌باشد فلذا صرفاً به جرم پولشویی مقامات در تهران یا مرکز استان رسیدگی خواهد شد.

موضوع

وصف مجرمانه ترغیب به بزه آدم‌ربایی.

پرسش:

اگر شخص الف شخص ب را که بالغ، عاقل و دارای مسئولیت کیفری می‌باشد به بزه آدم‌ربایی ترغیب نماید و بزه مذکور محقق گردد، عنوان اتهامی فردی که در عملیات مادی جرم دخالت نداشته چیست؟

✓ نظر هیئت عالی

چنانچه ترغیب کننده فردی را اجیر کند و از وی بخواهد مبادرت به آدم‌ربایی نماید عنصر قانونی عمل مذکور ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات می‌باشد.

■ نظر اکثریت

با توجه به اینکه شخص موردنظر در عملیات فیزیکی و مادی جرم آدم‌ربایی دخالتی نداشته لذا نمی‌توان وی را به عنوان مباشر جرم، به مجازات فاعل جرم مجازات کرد و صرفاً اقدام وی در حد معاونت است و باید در فرض وجود شرایط ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی، براساس آن عمل نمود.

■ نظر اقلیت

همانطور که در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و مواد دیگری مانند ماده ۵۳۸ آن قانون قید شده که «هرگاه کسی شخصاً یا توسط دیگری» مرتکب بزه شود در واقع در این فرض، قانونگذار، مجازات فاعل جرم را به فردی که در عملیات فیزیکی و مادی جرم دخالت نداشته، در نظر گرفته است که در حقوق جزا به آن فاعل معنوی جرم هم می‌گویند. به این ترتیب در این فرض، فردی که توسط دیگری، آدم‌ربایی را صورت می‌دهد مجازات مباشر جرم (آدم‌ربا) را خواهد داشت نه معاونت در جرم.

موضوع

جرم‌انگاری قطع درختان توسط فاعل معنوی.

پرسش:

چنانچه فردی به دیگری دستور قطع درختان را بدهد و شخص قاطع نیز از تعلق اشجار به غیر بی اطلاع باشد، در این صورت آیا فرد آمر قابل مجازات است یا خیر؟ در صورت قابل مجازات بودن تحت کدام یک از قواعد حقوق جزای عمومی؟

☑ نظر هیئت عالی

با توجه به اینکه معیار شناسایی مرتکب جرم در حقوق جزا لزوماً ارتکاب رفتار مادی جرم به نحو مباشرتی نمی‌باشد و چنانچه اعمال مادی جرایم نظیر آنچه در فرض مذکور در سوال آمده است (قطع اشجار متعلق به غیر) از طریق دستور فریبنده مباشر توسط دیگری (مسبب) صورت پذیرفته باشد، به نحوی که عرفاً ارتکاب این اعمال به واسطه اقوی بودن سبب نسبت به مباشر، مستند به مسبب (آمر) باشد، در این صورت سبب مذکور فاعل معنوی جرم شناخته شده و اعمال مادی جرم منتسب به وی می‌گردد، زیرا رابطه علیت بین عمل او (عمل فریبکارانه) و عمل مادی بزه (قطع اشجار) برقرار می‌گردد و نه شخصی که جاهل به موضوع بوده و به واسطه اعمال فریبکارانه دیگری اقدامات مزبور را که در ظاهر می‌تواند متعارف باشد انجام داده است و ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مؤید این نظر است. بنابراین در فرض سوال شخص آمر به اتهام ارتکاب قطع اشجار به مجازات فاعل جرم محکوم خواهد شد و اتهامی متوجه شخص مامور (مباشر)

نمی‌باشد و موضوع از شمول معاونت در جرم که ناظر به وجود شخص مباشر جرم (مرتکب فعل مادی که ارتکاب جرم منتسب به وی می‌باشد و نه دیگری) خارج است و در فرض حاضر چنین مباشری وجود ندارد. بنابراین نظریه اتفاقی قضات محترم دادگستری شهرستان آوج استان قزوین، در نتیجه مورد تأیید است.

✚ نظر اتفاقی

آمر در فرض سوال دارای مسئولیت کیفری می‌باشد؛ میانی استدلال: با توجه به شناسایی مسئولیت کیفری برای مباشر معنوی در حقوق ایران از جمله در مواد ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی در باب سرقت، یا عبارت (شخصاً یا توسط دیگری) مذکور در ماده ۶۲۱ قانون تعزیرات یا جعل موضوع ماده ۵۳۸ قانون تعزیرات، شخصی که دستور قطع درختان غیر را به متهم بی اطلاع از تعلق درختان به غیر می‌دهد مسئول می‌باشد.

موضوع

رسیدگی به معاونت و مباشرت شخص واحد در حوزه متفاوت.

پرسش:

در صورتی که جرم سرقت توسط مباشر و معاون در یک حوزه قضایی صورت گرفته باشد، اما شخص معاون در حوزه قضایی دیگر دارای جرایم مهم‌تر (کلاهبرداری و فروش مال غیر و ضرب و جرح) در جریان باشد، آیا در راستای ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری، این جرم سرقت نیز در صلاحیت حوزه قضایی دوم قرار دارد یا اینکه وفق ماده ۳۱۱ باید در همین حوزه قضایی اول رسیدگی شود؟

☑ نظر هیئت عالی

نظر به اینکه معاون مجرمیت خود را از جرم مرتکب اصلی وام می‌گیرد و وجود وحدت قصد بین معاون و مباشر جرم یا اقتران زمانی شرط اصلی تحقق معاونت است، بنابراین در فرض سؤال معاون جرم در حوزه قضایی محل وقوع جرم انتسابی به مباشر مورد تعقیب و محاکمه قرار می‌گیرد و ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری در این مورد حاکم است. بدیهی است در صورت محکومیت معاون جرم در حوزه دیگر، با اعمال مقررات ماده ۵۱۰ قانون مرقوم، مقررات تعدد جرم در مورد وی لازم‌الرعايه خواهد بود. نظریه اکثریت در حدی که با این نظر موافق است، مورد تأیید است.

■ نظر اکثریت

وفق ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری به اتهامات شرکاء و معاونین جرم در دادگاهی که به جرم مباشر رسیدگی می‌شود، صورت می‌گیرد و از این قاعده دو مورد استثنا شده است: اگر در میان شرکاء و معاونین، اطفال وجود داشته باشند وفق ماده ۳۱۲ صرفاً به اتهام اطفال باید در دادگاه اطفال رسیدگی شود و استثنای دوم نیز مربوط به تبصره ماده ۳۱۱ و وجود یکی از مقامات ماده ۳۰۸ در میان معاونین و شرکاء است، لذا فرض سوال مستثنا نبوده و می‌بایست به اتهام معاون در جایی که مباشر مرتکب جرم شده است رسیدگی شود. در نهایت در صورت محکومیت معاون در حوزه‌های قضایی مختلف، وفق ماده ۵۱۰ قانون مذکور و در راستای تجمیع آراء اقدام خواهد شد.

■ نظر اقلیت

ماده ۳۱۰- در مقام ایجاد یک قاعده در رسیدگی به اتهامات متعدد شخص بوده و در مورد نحوه ارتکاب در جرم تفکیک قائل نشده است، اگرچه در مقام معاونت مرتکب جرم شده باشد باز هم مشمول این ماده است لذا مرجع صالح، مرجعی است که به جرم مهم‌تر رسیدگی می‌کند.

موضوع: سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته (ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی)

ماده ۱۳۰- هر کس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

تبصره ۱- گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.

تبصره ۲- سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.

شرح فصل چهارم: سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته

نکته |:

- ۱-۱- سردستگی ماهیتاً یکی از مصادیق معاونت در جرم محسوب می‌شود اما در مواردی که مرتکب علاوه بر سردستگی و مدیریت گروه در عملیات اجرایی جرم نیز مداخله کند رفتار او مشمول تعدد جرم است و به حداکثر مجازات جرم شدیدتر محکوم خواهد شد.
- ۱-۲- اقسام سردستگی گروه‌های مجرمانه سازمان یافته: تشکیل گروه مجرمانه- طراحی گروه مجرمانه- سازمان‌دهی گروه مجرمانه- اداره گروه مجرمانه.

نشست قضایی

موضوع

تعدد سردسته در یک گروه مجرمانه.

پرسش:

آیا برای یک گروه مجرمانه داشتن هم‌زمان چند سردسته ممکن است؟

✓ نظر هیئت عالی

اصطلاح سردسته ناظر به یک نفر است که گروه متشکل یا سازمان یافته مجرمانه را رهبری و هدایت می‌کند فرض چند سردسته، مفهومی دور از ذهن و غیر واقعی است.

نظر اکثریت

علاوه بر سردسته وجود سه نفر زیرمجموعه لازم است. زیرا فرد باید یک «گروه» را سردستگی کند و حسب تبصره ۱ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی نیز گروه به کمتر از سه نفر اطلاق نمی‌گردد.

نظر اقلیت

سردسته نیز خود جزء گروه مجرمانه است و خارج از آن‌ها نیست و با داشتن دو زیرمجموعه تشدید مجازات برای وی لازم خواهد بود.

موضوع: تعدد جرم (مواد ۱۳۱ - ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی)

فصل پنجم: تعدد جرم

ماده ۱۳۱- در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود.

ماده ۱۳۲- در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

تبصره ۱- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می‌شود.

تبصره ۲- چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می‌شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می‌شود.

تبصره ۳- اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می‌شود.

تبصره ۴- چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجراء می‌گردد.

ماده ۱۳۳- در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می‌شود.

ماده ۱۳۴- در تعدّد جرائم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است: (اصلاحی به موجب

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

الف - هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدّد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند.

ب - در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

پ - چنانچه جرائم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک‌چهارم آن تعیین کند.

ت- در تعدّد جرائم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرائم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه شش و بالاتر، به طور جداگانه برای جرائم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجراء است.

ث- در هر یک از بندهای فوق، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجراء گردد، مجازات اشد بعدی اجراء می‌شود و در این - صورت میزان مجازات اجراء شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجراء است.

ج - در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می‌تواند تا یک‌ششم و اگر بیش از سه جرم باشد تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند.

چ - در صورتی که در جرائم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌شود.

ح - هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد (۲۳) یا (۲۴) این قانون به عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجراء می‌شود، حتی اگر مربوط به مجازات غیراُشد باشد. همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده (۲۵) این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجراء می‌شود.

خ - در تعدّد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر یک از جرائم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.

د - در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدّد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود.

تبصره ۱- در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، طبق مقررات فوق عمل می‌شود. (حذف شده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

تبصره ۲- در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم، اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد. (حذف شده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

تبصره ۳- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد. (حذف شده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

تبصره ۴- مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت اجراء نمی‌شود. این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌گردد. (حذف شده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

ماده ۱۳۵- در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع و ابتداء حد یا قصاص اجرا می‌شود مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتداء تعزیر اجراء می‌گردد.

تبصره ۵- در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیرحدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.

شرح فصل پنجم: تعدد جرم

نکته:

۱-۱- تعدد جرم و تکرار جرم موضوع فصل پنجم و ششم قانون مجازات از جمله کیفیات مشدده عام هستند. منظور از کیفیت مشدده‌ی عام کیفیاتی هستند که به جرایم معینی اختصاص ندارند بلکه عموم جرایم را شامل می‌شود. به عبارتی دیگر قانونگذار به صورت کلی وضعیت‌هایی را صرف نظر از عنوان خاص جرم در نظر گرفته و وجود این عوامل را باعث تشدید مجازات دانسته است و عنوان مجرمانه تأثیری در تحقق یا عدم تحقق تشدید ندارد.

۱-۲- در مقابل کیفیات مشدده عام، کیفیات مشدده خاص وجود دارد که منظور کیفیاتی هستند که مقنن وجود آن‌ها را در برخی از جرایم موجب تشدید مجازات دانسته است. کیفیات مشدده خاص ممکن است عینی باشند به این معنی که وقایع خارجی اگر با افعال مادی جرم مقارن شود موجب تشدید مجازات می‌شود. مانند زمان و مکان موضوع ماده‌ی ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات.

کیفیات مذکور گاه شخصی نیز می‌شوند که منظور کیفیاتی است که ناظر بر اوصاف و صفات بزهکار است و از این حیث سبب تشدید مجازات می‌شود. مانند کارمند دولت بودن موضوع ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات یا کم سن بودن مجنی علیه موضوع ماده ۶۲۱ ق.م.ا. بخش تعزیرات.

۱-۳- تفاوت کیفیات مشدده‌ی عینی و شخصی در این موضوع است که کیفیات مشدده‌ی عینی، موجب تشدید مجازات مرتکبین جرم اعم از شریک با معاون است در حالی که در کیفیات مشدده شخصی تشدید مجازات به مرتکبی که آن صفت خاص را داراست بار می‌شود.

۱-۴- عوامل مشدده‌ی عام:

همانگونه که از واژه‌ی «عامه مشخص است مقصود از عوامل مشدده‌ی عام «عواملی است که اگر با جرمی همراه گردد، موجب تشدید مجازات آن خواهد شد، بدون آنکه به جرم معینی اختصاص داشته باشد.» مجموع این قبیل عوامل را می‌توان در سه قسمت «تعدد جرم»، «تکرار جرم» و «سردستگی گروه مجرمانه» قرار داد.

۱-۴-۱- تعدد جرم:

تعدد جرم به معنای «ارتکاب جرایم متعدد بدون آنکه متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی رسیده باشد، خواه جرایم متعدد در فواصل کوتاهی ارتکاب یافته باشد، چندان که زمان برای تعقیب و محکومیت متهم کافی نبوده، خواه متهم متواری بوده و با جرایم او به دلایل گوناگون کشف نشده باشد.»



۱-۴-۱-۱- تعدد جرم عبارت است از ارتکاب جرایم متعدد بدون آنکه متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت قطعی کیفری رسیده است. اعم از اینکه جرایم در فاصله‌های زمانی کوتاه ارتکاب پابند یا خیر.

۱-۴-۱-۲- تعدد جرم بر دو گونه تعدد مادی یا واقعی، عینی و حقیقی و تعدد معنوی، اعتباری، مفادی یا روانی است. منظور از تعدد معنوی این است که چند وصف جزایی در فعل واحدی جمع شوند. یعنی یک فعل واحد در قوانین جزایی و مواد آن دارای عناوین مختلف کیفری باشد.

۱-۴-۱-۳- در مورد فرضی که متهم از حیث یکی از عناوینی که بر عمل او صدق می‌کند تبرئه شود آیا برای دادگاه امکان وجود دارد که از جهت عنوان دیگر مرتکب را تعقیب کند؟ در این مورد میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند اگر متهم از جهت یک عنوان مجرمانه برائت حاصل کند، از جهت عنوان جنائی دیگر تحت تعقیب قرار خواهد گرفت.

برخی دیگر بر این عقیده هستند برائت از جرم انتسابی شدیدتر موجب برائت از مجازات خفیف‌تر می‌شود. زیرا عنصر مادی ماده، تعقیب و مجازات واحدی را به دنبال دارد.

۱-۴-۱-۴- تعدد جرم را نباید با جرم مرتبط خلط کرد. جرایمی که عادتاً مشخص هستند ولی در موقع ارتکاب یک رابطه‌ی منطقی و درونی بین آن‌ها وجود دارد به طوری که به منزله‌ی جرم واحد تلقی شود را جرم مرتبط می‌گویند.

۱-۴-۱-۵- در مواردی که نتایج ناشی از جرم عنوان مجرمانه جداگانه دارد عقیده بر این است که نباید متهم را به دلیل دو اتهام تعقیب نمود مانند سرقت و اختفاء مال مسروقه، به این دلیل که عمل دوم نتیجه منطقی و معمولی جرم اولیه است.

۱-۴-۱-۶- در مواردی که جرمی، جزء جداناپذیر جرم دیگر و به عبارتی از لوازم آن است نباید قواعد تعدد جرم را به طور کلی اعمال کرد. مانند وارد کردن مواد مخدر که مستلزم حمل و نگه داری است.

توجه: میان مجازات اشد و اشد مجازات تفاوت وجود دارد. اشد مجازات در واقع همان حداکثر مجازات معین شده در قانون برای هر جرم است ولی مجازات اشد عبارت است از مجازات شدیدترین بین دو عنوان مجرمانه دارای مجازات‌های مختلف.

توجه: چنانچه شخصی با علم به مسدود بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک بلامحل نماید عمل ارتكابی وی از مصادیق تعدد معنوی جرم موضوع ماده ۴۶ ق.م.ا «ماده‌ی ۱۳۱ فعلی» است و باید طبق ماده ۱۰ قانون صدور چک به مجازات اشد محکوم شود.

(نظریه‌ی ۱۷۶۶/۷)

توجه: اگر مورد استعلام هم واجد عنوان تیراندازی عمدی و هم دارای عنوان اتلاف عمدی مهمات باشد از مصادیق فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم خواهد بود که طبق ماده ۴۶ ق.م.ا. کیفر اشد باید تعیین شود. (نظریه‌ی مشورتی ۷/۷۴۲۶ - ۸۱/۸/۲۱)

۱-۴-۲- تکرار جرم:

در مبحث تکرار جرم مورد بررسی قرار گرفته است.

توجه: بنابراین به نظر می‌رسد مهم‌ترین تفاوت میان «تعدد جرم و تکرار جرم» در «وجود محکومیت کیفری قطبی» است، بدین معنی که «تعدد جرم» ناظر به جایی است که «میان جرایم ارتكابی شخص، هیچ‌گونه حکم محکومیت کیفری قطعی صادر نشده است»، در حالی که «تکرار جرم» ناظر به موردی است که یک شخص بعد از آن که حکم کیفری قطعی نسبت به جرم ارتكابی‌اش صادر شده است، مجدداً مرتکب جرمی دیگر می‌شود، البته به استثنای حدود.

۱-۵- تعدد اعتباری (معنوی یا عنوانی):

در ادبیات حقوقی، «انجام رفتار واحد. مضمول دو یا چند عنوان مجرمانه» را تعدد اعتباری گویند. به دیگر سخن، در تعدد اعتباری لازم است در عالم خار، شخص تنها مرتکب «یک» رفتار (خواه فعل یا ترک فعل) گردد، ولی همان رفتار واحد، نقض‌کننده‌ی «چندین ماده از قوانین کیفری» باشد. ۱-۵-۱- شرط تعدد معنوی، وحدت فعل است و وحدت فعل یعنی یک عمل که ناشی از یک اراده باشد. لذا جرم مستمر و اعتیادی هم فعل واحد محسوب می‌شود چون یک اراده وجود دارد. (زراعت، ص ۲۲۶)

۱-۵-۲- با توجه به قید عبارت رفتار و در نظر گرفتن ماده‌ی ۲ قانون مجازات که رفتار اعم از فعل یا ترک فعل در نظر گرفته است و همچنین تغییر عبارت فعل واحد در قانون مجازات سابق به رفتار واحد در قانون فعلی به نظر می‌رسد. تعدد جرم در جرایم ترک فعل نیز محقق باشد. ۱-۵-۳- در رابطه با تعدد معنوی گفته شده است بهتر است دادگاه پس از احراز وقوع فعل واحد و تعدد معنوی جرم، همه عناوین جنایی متعدد را به عنوان اتهام بر مرتکب تفهیم کند، (طاهری نسب، ص ۱۳۱)

۱-۵-۴- تعدد واقعی جرم در جرایم تعزیری:

الف- در صورتی که فردی مرتکب ۲ یا ۳ جرم تعزیری (نهایتاً سه جرم تعزیری) مرتکب شود که آن جرائم از درجه‌های ۱ تا ۶ هستند، برای تعیین مجازات وی بایستی دو حالت متفاوت را از یکدیگر تفکیک نمود.

- حالت اول زمانی رخ می‌دهد که مجازات جرائمی که فرد مرتکب شده است دارای حداقل و حداکثر باشد، که طبق قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری حداقل مجازات هر یک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است و در پایان مجازات اشد اجرا می‌گردد. و اگر به هر علتی اجرا نشد مجازات اشد بعدی قابل اجرا خواهد بود
- براساس نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۱۰۵ منظور از علل قانونی که موجب عدم اجرای مجازات اشد می‌شود مواردی هستند که مجازات شامل عفو یا آزادی مشروط قرار می‌گیرد و منظور از غیر قابل اجرا شدن مجازات اشد مواردی است که مجازات به دلیلی امکان اجرا را از دست می‌دهد مانند اینکه براساس قانون مجازات مورد نظر لغو شود یا اینکه مشمول مرور زمان قرار گیرد.
- حالت دوم زمانی به وقوع می‌پیوندد که مجازات جرائم متعدد فاقد حداقل و حداکثر باشد در این حالت تا یک ششم در صورتی که بالای سه جرم مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌شود و فقط مجازات اشد قابل اجراست و اگر به هر دلیلی، مانند علل قانونی و یا غیر قابل اجرا شدن، مجازات اشد اجرا نگردد مجازات اشد بعدی اجرا خواهد شد.
- ب- فرض دوم زمانی است که جرایم ارتكابی توسط مجرم جز جرایم درجه یک تا ۶ باشد و تعداد آنها بیش از سه جرم باشد که این فرض نیز دارای دو حالت می‌باشد.
- حالت اول مختص زمانی است که مجازات جرایم ارتكابی توسط شخص دارای حداقل و حداکثر باشد مجازات آنها، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک چهارم آن تعیین کند و فقط مجازات اشد قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا غیرقابل اجرا گردد مجازات اشد بعدی اجرا خواهد شد.
- حالت دوم نیز زمانی است که مجازات جرایم متعدد ارتكابی از جانب مرتکب فاقد حداقل و حداکثر باشد که در این صورت تا یک چهارم مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه خواهد شد و فقط مجازات اشد قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا غیرقابل اجرا گردد مجازات اشد بعدی اجرا خواهد شد.
- ج- فرض سوم مربوط به مواقعی است که جرایم ارتكابی از جانب مرتکب جز جرائم درجه ۷ و ۸ تعزیری باشند که فرض سوم را نیز می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود:
- در تعدد جرائم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرائم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه شش و بالاتر، به طور جداگانه برای جرائم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجراست.

۱-۵-۵- تعدد واقعی جرم در جرایم مستوجب حد:

حالات مختلف	جرایم	مجازات‌ها	حکم	مثال
حالت اول	متفاوت	متفاوت	جمع مجازات‌ها	ارتکاب جرم‌های تفخیز و قوادی که مجازات آنها به ترتیب ۱۰۰ و ۷۵ ضربه شلاق است
حالت دوم	مشابه	مشابه	اجرای یک مجازات	ارتکاب متعدد جرم مساحقه که مجازات آن ۱۰۰ ضربه شلاق است
حالت سوم	متفاوت	مشابه	جمع مجازات‌ها	ارتکاب جرم‌های شرب خمر و قذف که مجازات هر دو ۸۰ ضربه شلاق است.
حالت چهارم	مشابه	متفاوت	جمع مجازات	ارتکاب دو جرم زنا که یکی مجازات شلاق و دیگری اعدام داشته باشد.

۱-۵-۶- تعدد واقعی جرم در جرایم مستوجب قصاص:

در فرض تعدد جنایات مستوجب قصاص، جز در موارد استثنایی، اصل بر «تعدد» و «عدم تداخل» است.

الف- حکم تعدد واقعی در جنایت بر نفس:

قانونگذار صراحتاً در ماده ۳۸۳ ق.م.ا.م.صوب ۹۲، حکم «تعدد واقعی جرم» در «جنایت بر نفس» را به شرح زیر بیان داشته است:
 «اگر یک نفر، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند، اولیای دم هر یک از مقتولان می‌توانند به تنهایی و بدون گرفتن رضایت اولیای مقتولان دیگر و بدون پرداخت سهمی از دیه به آنان اقدام به قصاص کنند».

ب- حکم تعدد واقعی در جنایت مادون نفس:

همین موضع در خصوص «جنایت مادون نفس» نیز پذیرفته شده است، آن جا که قانونگذار در ماده ۳۸۹ ق.م.م.صوب ۹۲ مقرر داشته است:
 «اگر به علت یک یا چند ضربه، جنایت‌های متعددی در یک یا چند عضو به وجود آید حق قصاص برای هر جنایت، به طور جداگانه ثابت است...»

۱-۶- عوامل مشددهی خاص:

همانگونه که از واژه‌ی «خاص» مشخص است مقصود از «عوامل مشددهی خاص عواملی است که در صورت همراهی با جرایمی خاص، موجب تشدید مجازات آنها خواهد شد.» بنابراین برخلاف عوامل مشدده عام (تعدد جرم، تکرار جرم و سردستگی گروه مجرمانه) که ناظر به تمامی جرایم است، عوامل مشدده خاص صرفاً اختصاص به جرایم معینی دارد که در قانون بدانها تصریح شده است. در حقوق کیفری معاصر، «عوامل مشدده خاص» به دو قسمت «عوامل مشدده شخصی» و «عوامل مشدده عینی» تقسیم می‌شوند که در ادامه به بحث گذارده خواهند شد.

۱-۶-۱- عوامل مشددهی شخصی:

عوامل مشاهده شخصی به عواملی گفته می‌شود که در صورت وجود، صرفاً باعث تشدید مجازات دارنده‌ی آن وصف یا صفت شده و هیچ تأثیری در تشدید مجازات دیگر مرتکبین (خواه شریک و خواه معاون) نخواهد شد.

۱-۶-۲- عوامل مشددهی عینی:

«عوامل مشدده عینی» به عواملی گفته می‌شود که برخلاف «عوامل مشدده شخصی»، در صورت وجود، نه تنها باعث تشدید مجازات دارنده‌ی آن وصف یا صفت شده، بلکه منجر به تشدید مجازات دیگر مرتکبین (خواه شریک و خواه معاون) نیز خواهد شد.

۱-۶-۲-۱- زمان وقوع جرم:

در تعدادی از مواد قانونی از زمان به عنوان یکی از عوامل مشاهده مجازات یاد شده است که در ادامه به یک نمونه بارز آن اشاره می‌گردد:

ماده ۵۰۹- «هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد. همان جرم محکوم می‌گردد».

۱-۶-۲-۲- مکان وقوع جرم:

در برخی از مواد قانونی، قانونگذار امکان وقوع جرم را به عنوان یکی از عوامل تشدید مجازات پنداشته است. نمونه بارز این مورد ماده ۵۵۵ ق.م.ا مصوب ۹۲ است که در آن آمده است: ماده ۶۱۹ ق.م.ا مصوب ۷۵ نیز از دیگر مثال‌های این قسمت به حساب می‌آید.

۱-۶-۲-۳- وسیله ارتکاب جرم:

یکی از مهم‌ترین عوامل مشددهی عینی مجازات، «وسیله ارتکاب جرم» است. در بسیاری از مواد قانونی، قانونگذار صرفاً به جهت، وسیله‌ای به کار رفته در ارتکاب جرم، قاتل به تشدید مجازات مرتکبین شده است. البته باید توجه داشت وسیله ارتکاب جرم صور گوناگونی دارد که در زیر به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد:

۱-۶-۲-۴- کیفیت ارتکاب جرم:

بند ۴ ماده ۲۲۴ ق.م.ا مصوب ۹۲ و همچنین مواد ۵۴۶ و ۵۴۷ ق.م.ا مصوب ۷۵ از این قبیل مواد به حساب می آیند.

۱-۶-۲-۵- شخصیت و وضعیت بزه دیده:

یکی دیگر از عوامل مشدده‌ی عینی مجازات «شخصیت و وضعیت بزه دیده» می باشد. دقت در عنوان گویای آن است که گاه «شخصیت» بزه دیده و گاه «وضعیت» وی باعث تشدید مجازات می شوند که برای هر یک از آنها مثالی ذکر خواهد شد:
در این خصوص می توان از مواد ۵۱۴، ۵۱۵ و حتی ۶۰۹ ق.م.ا مصوب ۷۵ یاد نمود.

۱-۶-۲-۶- تعدد بزه کاران:

بند ۴ ماده ۶۵۶، ۶۸۳، ۶۹۱ و ۶۹۴ ق.م.ا مصوب ۷۵ از مصادیق بارز این قسمت اند.

۱-۶-۲-۷- وجود توطئه قبلی:

در این خصوص می توان به ماده ۳ قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن مصوب ۱۳۲۰ و همچنین ماده ۶۲۰ ق.م.ا مصوب ۷۵ اشاره نمود.

۱-۷- مقایسه تعدد جرم با عناوین جزائی مشابه:

۱-۷-۱- تفاوت تعدد جرم با جرم مستمر:

«جرم مستمر به فعل یا ترک فعلی اطلاق می شود که در زمان ادامه دارد به عبارت دیگر جرم با عناصر خود به طور دائم تجدید حیات می کند» مانند ترک انفاق (ماده ۶۴۲ ق.م.ا) استفاده علنی و غیر قانونی از البسه نظامی و دولتی (ماده ۵۵۶ ق.م.ا) جرائم مستمر چون از یک قصد و یک هدف و یک عمل ناشی شده اند جرم واحد محسوب می شوند و با تعدد جرم تفاوت دارند.

۱-۷-۲- تفاوت تعدد جرم با جرائم مرکب:

رکن مادی جرم مرکب از چند جزء تشکیل می گردد مانند کلاهبرداری که از توسل به وسائل متقلبانه اغفال و اخذ مال و سپس تصاحب آن تشکیل می شود و مجموع آن فقط یک جرم به حساب می آید و با تعدد جرم که انجام دو یا چند جرم است تفاوت دارد.

۱-۷-۳- تعدد جرم و جرم به عادت (اعتیادی):

جرم به عادت مانند تکدی و کلاشی موضوع ماده ۷۱۲ ق.م.ا با تکرار یک عمل (حداقل دو مرتبه) واقع می شود و انجام یک مرتبه آن جرم مورد نظر قانونگذار را محقق نمی سازد بنابراین جرم تکدی با یک بار پول گرفتن محقق نمی شود یا براساس ماده ۶۶۲ ق.م.ا: «... در

صورتی که متهم معامله اموال مسرقه را (حرفه) خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد. حرفه قرار دادن معامله اموال مسرقه با یک بار تحقق پیدا نمی‌کند هر چند انجام یک مرتبه آن نیز براساس صدر ماده ۶۶۲ قانون موصوف جرم است ولی مجازاتش تشدید نیست و حرفه محسوب نمی‌گردد بنابراین انجام یکبار آن یک مجازات غیر تشدید دارد و انجام چند مرتبه آن عنوان خاص حرفه قرار دادن معامله اموال مسرقه پیدا می‌کند که مجازات تشدید دارد و با تعدد جرم تفاوت پیدا می‌کند.

۱-۷-۴- تعدد جرم و جرم مرتبط:

گاهی انجام یک جرم با ارتکاب جرم دیگر ارتباط پیدا می‌کند مانند اینکه کسی به منظور آدم‌ربائی اتومبیلی سرقت کند و یا سارقی به منظور فرار از صحنه سرقت اتومبیل دیگری را سرقت می‌نماید و یا به منظور سرقت شیشه منزلی را تخریب می‌کند این قبیل اعمال را جرائم مرتبط می‌گویند در مورد جرائم مرتبط ذکر این نکته ضروری است که این جرائم ممکن است به سه گونه واقع گردند:

الف- برای مجموع جرائم ارتكابی عنوان خاصی در قانون پیش‌بینی شده باشد مانند سرقت توأم با هتك حرز سرقت مقرون به آزار و اذیت و سرقت مسلحانه در این صورت مطابق تبصره ۲ ماده ۱۳۳ ق.م.ا جرم انجام گرفته جرم شامل محسوب و فقط با عنوان و ماده خاص پیش‌بینی شده در قانون قابل مجازات است.

ب- گاهی انجام برخی جرائم به عنوان مقدمه و از اجزاء رکن مادی و جزء لاینفک یک عمل مجرمانه دیگر می‌باشد به طوری که اگر مرتکب جرم شخصاً آن را انجام ندهد نمی‌تواند مرتکب جرم مهم‌تر گردد مانند ورود غیرمجاز به منزل دیگری و سرقت اثاث‌البیت. در این صورت فقط یک جرم (سرقت) واقع شده است.

ج- گاهی انجام برخی جرائم با یکدیگر مرتبط هستند لکن برای مجموع آنها یک عنوان خاص در قانون پیش‌بینی نشده است و از طرفی جرم اول جزء لاینفک و مقدمه جرم بعدی نمی‌باشد یعنی به نحوی نیست که اگر مرتکب جرم شخصاً آن را انجام ندهد نتواند مرتکب جرم دیگر شود. مانند سرقت اتومبیل برای فرار از صحنه قتل سرقت وسیله نقلیه جهت آدم‌ربائی و حتی انجام جعل به منظور استفاده از سند معجول در این صورت قاعده تعدد جرم حاکم خواهد بود و براساس ماده ۱۳۳ ق.م.ا عمل خواهد شد.

قانونگذار در برخی موارد نظیر ماده ۵۴۷ ق.م.ا این عقیده را مورد تأیید قرار داده است و مقرر می‌دارد: «هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا ۷۴ ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

در این زمینه حکم شماره ۲۳۵-۱/۲۷/۱۳۳۰ شعبه دوم دیوان عالی کشور اعلام داشته است: «... جعل و استفاده از جعل هر یک از این دو عمل بزه مستقل و جداگانه مستوجب کیفر می‌باشد و فرقی نیست که مرتکب هر دو عمل یکی باشد یا متعدد و اساساً و به طور کلی اگر بزه‌ی مقدمه بزه دیگری باشد قاعده مخصوص نیست که هر دو عمل از لحاظ کیفر در حکم یک عمل تلقی شود مگر در بزه‌های مرکبه که خود قانون برای مجموع کیفر خاصی مقرر داشته است...»

و براساس رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲-۱۳۷۸/۹/۹: «... استفاده از سند مجعول عملی مستقل از جعل محسوب و نسبت به جاعل نیز بزه جداگانه است بنابراین مراتب دادنامه شماره ۶-۱۳۷۶/۲/۲۸ که بموجب آن با رعایت تعدد و ماده ۴۷ ق.م.ا برای جعل و استفاده از سند مجعول کیفرهای جداگانه تعیین شده صحیح و منطبق با موازین قانون است»

۱-۷-۵- تعدد جرم و جرم جمعی متحدالمقصد:

جرم جمعی متحدالمقصد جرمی است که عنصر مادی آن متضمن یک سلسله عملیات مجرمانه پی در پی است که طبع واحد دارند و مشابه همدیگر می‌باشند اما توسط یک نفر علیه یک هدف و قربانی جرم واحد انجام می‌پذیرد مانند سارقی که وارد مغازه‌ای شده و یک فرش سرقت می‌کند و مجدداً بر می‌گردد و فرش دیگری می‌برد و سپس مراجعت نموده و فرش سوومی را می‌برد یا خدمتکار منزل که به کرات پول از جیب صاحبخانه اش می‌رباید در این قبیل اعمال چنانچه تکرار عمل مجرمانه در نتیجه قصد و نیت واحد و با فاصله زمانی کوتاه از هم و هدف واحد صورت پذیرد یک جرم انجام گرفته است و به تعبیر بهتر چنانچه وحدت قصد و وحدت مقصد وجود داشته باشد قاعده تعدد حاکم نخواهد بود.

در رأی شماره ۴۶۹-۱۳۱۹/۲/۲۶ دیوان عالی کشور آمده است: «اگر کارمندی یک مبلغ منتهی در چند نوبت از کسی رشوه بگیرد تعدد دفعات تحویل گرفتن وجه مزبور موجب تعدد جرم نخواهد بود.»

موضوع: تکرار جرم (مواد ۱۳۶-۱۳۹ قانون مجازات اسلامی)

فصل ششم - تکرار جرم

ماده ۱۳۶- هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.

ماده ۱۳۷- هر کس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند. (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

ماده ۱۳۸- مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی‌شود.

ماده ۱۳۹- در تکرار جرائم تعزیری، در صورت وجود جهات تخفیف مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود. (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

تبصره- چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.

شرح فصل ششم: تکرار جرم

نکته:

۱-۱- زمانی که فردی مرتکب جرمی می‌شود و برای آن حکم صادر می‌شود، و این فرد مجدداً مرتکب جرم می‌شود تکرار جرم گفته می‌شود. تفاوت تکرار جرم و تعدد جرم در بحث صدور حکم است. همان‌طور که ذکر شد، در تعدد جرم، قبل از صدور حکم قطعی برای جرم متهم، وی مرتکب جرایم دیگری می‌شود، اما در تکرار جرم حتماً باید حکم قطعی صادر شده باشد.

۱-۲- در بحث تکرار جرم نیز ماده‌ی ۱۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، ماده‌ی ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی را به شرح زیر اصلاح نموده است:

(هر کس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند)

ماده‌ی ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی نیز به صورت زیر تغییر کرده است:

(در تکرار جرائم تعزیری، در صورت وجود جهات تخفیف مطابق مواد ۳۷ و ۳۸ این قانون اقدام می‌شود. تبصره- چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود)